

يك روز

در زندگانی خیام

۱ - طرح انتقادی فیتز جرالد :

يك قرن پیش از این ؛ پرتوالهام خیام بر صنفه خاطر فیتز جرالد افتاد و آن‌ورد روشن ذهن را قادر کرد که یکی از شاهکار های جاویدان ادبی را در زبان انگلیسی به وجود بیاورد .

این شاهکار عبارت از يك منظومه صدويك بندي است که هر بند آن به تقلید از رباعی فارسی مرکب از چهار مصرع است و باز از روی همان سرمشق سه مصرع اول و دوم و چهارم آن دارای قافیه واحد هستند . ولی اینها شباهتهای فرعی و ظاهری است .

نکته اساسی راجع به کار فیتز جرالد آن است که طرح انتقادی این منظومه از ابتکارات خود اوست و فیتز جرالد هیچگاه در پی آن نبوده است که رباعی را به رباعی ترجمه کند بلکه خواسته است که این منظومه شرح سرگذشت يك روز تمام و متضمن معرفی جامع از افکار و حالات خیام باشد . خورشید طلوع میکند و می‌کند باز میشود . خیام هشیار و متفکر است ولی به تدریج در بحر فکر فروتر میرود و ضمناً شراب مینوشد . از فنا پذیری زندگانی و عجز عقل بشری از حل معمای هستی و بسی مشکلات و ناگواریهای دیگر متأثر است . خشمناک میشود . عاصی میشود و به بیان این اندیشه‌ها و احساسات خود می‌پردازد . بعداً مستی او فرو مینشیند . و چون شب فرامیرسد و ماه طلوع میکند خیام در دریای اندوه غوطه‌ور و در پایان منظومه مشغول وصیت کردن است .

۴ - میزان مطابقت منظومه فیتز جرالد با اصل فارسی :

این طرح انتقادی بر سرتاسر کار فیتز جرالد راجع به خیام حاکم است . فیتز جرالد برای پروراندن این طرح (یعنی شرح سرگذشت این روز فرضی که ناچار متضمن ترجمه ماندنی از رباعیات خیام نیز میشود) از میان رباعیات مستقل و متفرق فارسی که ضمناً انتساب بسیاری از آنها به خیام مشکوک است هر کدام را که خود میخواست و در این قالب میگنجید انتخاب کرد و باز با پیروی از همین نقش ادبی توالی خاصی به آنها بخشید و از هر کدام از آنها

بمعنوان مایه فکری برای بندهای منظومه انگلیسی خود استفاده کرد. هر جا که يك بنده منظومه انگلیسی از روی يك رباعی فارسی ساخته شده است ترجمه بکلی آزاد است. ولی فیتزجرالد تصریح کرده است که در بسیاری از موارد چند رباعی فارسی را با یکدیگر مخلوط کرده بر اساس مجموع آنها يك بند از منظومه خود را ساخته است.

ادوارد هرن الن (EDWARD HERON-ALLEN) کتاب تحقیقی دقیقی در ۱۸۹۹ درباره ارتباط بندهای منظومه فیتزجرالد با رباعیات فارسی خیام نگاشت و به نتایجی رسید که آنها را میتوان به نحو ذیل خلاصه کرد:

۴۹ بند :- هر يك ترجمه آزاد و زیبایی يك رباعی فارسی در نسخه بادلیان یا نسخه کلکنه است.

۴۴ بند :- هر يك بر اساس دو یا چند رباعی فارسی است و از این قرار میتوان اینها را بندهای مرکب نامید.

۲ بند :- از روی رباعیاتی است که فقط در چاپ نیکلایافت میشود.

۲ بند :- منعکس کننده روح کلی اشعار اصلی است.

۲ بند :- منحصرأ بر اثر نفوذ ابیاتی از منطق الطیر عطار ساخته شده است.

۲ بند :- نفوذ غزلهای حافظ را نشان میدهد.

۳ بند :- که فقط در چاپهای اول و دوم منظومه فیتزجرالد یافت میشود معلوم نیست از روی چه اصلی ساخته شده است.

۳ - مطالعات فیتزجرالد در ادبیات فارسی

فیتزجرالد آشنائی خود را با زبان و ادبیات ما مدیون تشویقها و کمکهای ادوارد کوئل (Edward B. Cowell) دوست جوانتر فارسی دان خویش است که بعدها استاد سانسکریت در دانشگاه کمبریج شد. ولی مایه حیرت و اعجاب است که با وجودی که معلومات لغوی و دستوری و ادبی هیچیک از این دو تن در فارسی اگر با موازین امروزی سنجیده شود عمق خاصی نداشت و دو نسخه بادلیان و کلکنه از رباعیات خیام که مورد مراجعه ایشان بود بی نقص و بی غلط نبود موفقیّت معجز آسای مورد بحث نصیب فیتزجرالد گردید.

فیتزجرالد به کمک يك کتاب گرامر فارسی تألیف سرویلیام جونز

(Sir William Jones) و یک دیکسیونر به سه زبان انگلیسی و عربی و فارسی تألیف فرانسیس جانسن (Francis Johnson) و سئوالات متعدد از کوئل به تدریج با چند کتاب ادبی فارسی از جمله رباعیات خیام و غزلهای حافظ و گلستان سمدی و هفت پیکر نظامی و منطق الطیر عطار و سلمان و ابسال جامی آشنا شد و ترجمه های منظوم آزادی از دو کتاب اخیر الذکر نیز منتشر کرد.

۴ - سرگذشت نگارش منظومه فیتزجرالد :

کوئل در ژوئیه ۱۸۵۶ نسخه ای را که خود از روی يك نسخه خطی رباعیات خیام در کتابخانه بادلیان دانشگاه اکسفورد نوشته بود به فیتزجرالد داد. علاقه فیتزجرالد به

خیام از همین هنگام شروع شد و تا آخر عمرش ادامه یافت . در این وقت فیتزجرالد چهل و هفت سال داشت و چشمانش ضعیف شده بود . و در ضمن مکاتبات مفصل بمدی خود با کوئل مکرراً به این کم نوری چشمان خود اشاره کرده است . در ژوئن ۱۸۵۷ یعنی قریب يك سال پس از آن که فیتزجرالد رونوشت نسخه بادلیان را دریافت کرد رونوشتی از يك نسخه خطی دیگر رباعیات خیام در کلکته که به دستور کوئل تهیه شده بود به دست فیتزجرالد رسید . نسخه بادلیان دارای ۱۵۸ رباعی و نسخه کلکته دارای ۵۱۶ رباعی بود . فیتزجرالد این هر دو نسخه را به دقت مطالعه و آنها را با یکدیگر مقابله کرد و منظومه خود را از روی آنها ساخته است .

اشتغال فیتزجرالد به منظومه خیام وار خویش بیش از بیست سال ادامه یافت و در این مدت چهار صورت از منظومه او هر نوبت با تغییراتی منتشر شد . و پس از مرگ او نیز پنجمین صورتی از آن چیز و کلیات آثار او به چاپ رسید . تاریخ این چاپها و شماره بندهای منظومه فیتزجرالد در هر کدام از آنها بدین قرار است :

۱۸۵۹-۷۵ بند

۱۸۶۸-۱۱۰ بند

۱۸۷۲-۱۰۱ بند

۱۸۷۹-۱۰۱ بند

۱۸۸۹-۱۰۱ بند

نگارش منظومه فیتزجرالد در ژانویه ۱۸۵۸ یعنی قریب بیست ماه پس از دریافت کردن اولین نسخه فارسی رباعیات خیام به پایان رسید و نخستین صورت چاپ شده آن در ماه مارس ۱۸۵۹ بدون اسم شاعر انگلیسی تحت عنوان :

Rubayat of Omar Khayyam of Naishabur

مقارن پایان پنجاهمین سال عمر فیتزجرالد انتشار یافت و فیتزجرالد مخارج چاپ کتاب و حتی مخارج اعلان انتشار آن را از جیب خودش پرداخت . خلاصه آن که نگارش این منظومه نتیجه مقدمات دقیق و مفصل بود و فیتزجرالد حق داشت که يك وقت گفت «کمتر کسی تا کنون برای ترجمه به اندازه من رنج برده است».

اینجا بيمناسبت نمیدانم که متذکر شوم که به گمان من فیتزجرالد اصرار خاصی داشته است در این که عین چندین لغت و عبارت فارسی را در منظومه انگلیسی خود به کار ببرد در حالی که میتواند از معادل انگلیسی هر کدام از آنها استفاده کرده باشد . از آن جمله است «رباعیات» و «مؤذن» و «کوزه نامه» و «پروین و مشتری» و «ساقی» و «تمام شده» شاید میخواست بدین وسیله منظومه خود را در نظر خوانندگان انگلیسی وسط قرن نوزدهم خیلی شرقی و مرموز و بالنتیجه مؤثر جلوه بدهد .

۵ - انتظام انتقادی در برابر ترجمه

اما با وجودی که فیتزجرالد کار خود را ترجمه میخواند و البته عمل ترجمه هسته

مرکزی اثر او را تشکیل میدهد. در سرتاسر این سرگذشت هنر تنظیم انتقادی فیتزجرالد بر هنر ترجمه او میچربید. فیتزجرالد خود متوجه این امر بود. چنانکه پس از دریافت رونوشت نسخه بادلیان از کوئل-به او نوشت دیک منظومه مفصل بسیار زیبا میتوان از روی رباعیات متفرق خیام پدید آورد. نیز راجع به خیام و شعرای دیگر ایران شاید بالاخص عطار و جامی گفته است: «این شعرای فارسی محتاج قدری هنر هستند برای آنکه به آثار ایشان شکل منظمی ببخشند.» پس از دیدن نسخه کلکته از رباعیات خیام چنین نوشت: «گمان میکنم این نسخه فرصت خوبی برای آزمایش قوای انتقادی بدست انسان میدهد.» و بالاخره هنگامی که نسخه منظومه تکمیل شده خود را برای کوئل میفرستاد به او چنین نوشت:

«طرح منظومه مرا جالب خواهد یافت.» به گمان من اگر فیتزجرالد مبتکر طرح انتقادی این منظومه را چنانکه باید و شاید بشناسیم میزان اهمیت نسبی فیتزجرالد مترجم را بهتر درک خواهیم کرد و از گرفتاری پیدا کردن ترمیمی از کلمه و ترجمه که شامل این اثر بزرگ بشود رها خواهیم شد. ولی جای شك نیست که دیگران نیز منظومه فیتزجرالد را نوعی از ترجمه تلقی کرده اند. بهر حال در تمجید از آن گفته شده است که این مشهورترین ترجمه ای است که از یک اثر شرقی بعمل آمده است و پس از ترجمه کتاب مقدس که نمونه فصاحت در زبان انگلیسی شمرده میشود این زیباترین و مشهورترین ترجمه در زبان انگلیسی است و بالاخره لرد تنیسن ملک الشعرای بزرگ انگلستان در اواخر قرن نوزدهم (که با فیتزجرالد آشنا بود و با او یک وقت در مطالعه حافظ قدری کار کرد) در ضمن یکی از اشعار خود گفته است: «در زبان انگلیسی هیچ ترجمه ای را که بهتر از این باشد نمیشناسم.»

فیتزجرالد میدانست اثر بارز و جلیب وجود آورده است و نیز میدانست که نوشته تا چاپ نشود آخرین مرحله تکمیلی خود را طی نکرده است. اینک بحث ناقص و بسیار مختصر خود را با ترجمه ای از فیتزجرالد که شامل این هر دو نکته است پایان میدهم:

«وقتی که انسان بهترین کوشش خود را به جای آورده باشد و یقین داشته باشد که نتیجه بهتر از آن شده است که بسیاری از اشخاص بخواهند زحمت پدید آوردن آن را بر خود هموار کنند در چنین صورتی هر چند همین نتیجه دراز کمال مطلوب باشد شخص میل دارد کار را بوسیله چاپ کردن آن اثر به مرحله نهایی برساند.»

ترجمه منظومه فیتزجرالد را به نشر فارسی قریب به بیست سال پیش از این بعمل آوردم ولی نشر آن تا کنون به علل مختلف که بعضی از آنها به تنبلی و گرفتاری خود من مربوط نیست به تعویق افتاد. بهر حال اکنون دوستان ایرانی میتوانند با خواندن این ترجمه اولاً با یکی از شاهکارهای مسلم زبان انگلیسی که البته از ادبیات فارسی ملهم است آشنا شوند و ثانیاً با مقایسه هر بند این منظومه از یک طرف با رباعی فارسی که کلاً یا بعضاً اساس اقتباس فیتزجرالد قرار گرفته است خود میتوانند قضاوت کنند که فیتزجرالد در این اثر خود که بر هر دو اساس ترجمه آزاد و تنظیم انتقادی استوار است تا چه اندازه بر ترجمه آزاد متکی بوده است و تا چه اندازه بر تنظیم انتقادی.

فاتمام